

جهاد یعنی خسته نشدن، یعنی با فکر درست و منطق درست راهی را انتخاب کردن و ایمان به آن راه پیدا کردن و آن را با همه‌ی سختی‌هایش، با همه‌ی موانعش دنبال کردن و پیش رفتن. این معنای جهادی عمل کردن است.

در دیدار جمعی از نخبگان و مدال‌آوران علمی دانشگاه صنعتی شریف؛



گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از نخبگان و مدال‌آوران علمی دانشگاه صنعتی شریف که در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۵ برگزار شده بود، در همایشی در دانشگاه صنعتی شریف، منتشر شد.

به گزارش اسپادانا خبر، متن بیانات رهبر انقلاب به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مثل یک پنجره‌ای که به سمت یک باغ دلگشایی باز بشود، حضور شما عزیزان در اینجا، هم دل ما را شاد کرد، هم هوای تازه‌ای به ما داد و امیدهایی را که به توفیق الهی در دل این حقیر هرگز خاموش نشده و ضعیف نشده، باز هم فروزان‌تر کرد و مشتعل‌تر کرد. خدا را شکر می‌کنیم به خاطر وجود شما جوان‌های خوب، جوان‌های عزیز، فرزندان اهل و صالح این کشور و ان‌شاء‌الله مردان و زنان قدرتمند فردای این کشور.

... این شکرگزاری که عرض کردم، مخصوص بنده نیست؛ شما باید خودتان هم شکرگزاری کنید. خداوند متعال به شما فکر داد، قدرت اندیشیدن داد، استعداد داد و هسته‌ی نخبگی را در وجود شما کار گذاشت که در شرایطی این هسته به بار نشست و شکوفا شد. خدا را به خاطر این نعمت بزرگی که به شما داده -استعداد، ظرفیت فکری- شکر کنید....

... آنچه من روی آن تأکید می‌کنم؛ یکی مسئله تلاش علمی است. تلاش علمی نایستی متوقف بشود در دانشگاه‌ها. شماها خب الحمدالله نخبه هستید و مدال گرفته‌اید و این مدالها هم.... نشانه است، نماد است؛ یعنی ارزش معنوی این مدال، از ارزش مادی آن بمراتب بیشتر است؛ ارزش معنوی آن این است که نشان می‌دهد که شما از یک ظرفیت و استعداد درونی برخوردارید، از یک هویت والا برخوردار هستید؛ این مدالها یک چنین چیزی است؛ لذا این مدال به خاطر نماد بودنش، علاوه بر ارزش مادی، ارزش معنوی هم دارد؛ لذا است که من الان این هدیه‌های شما را با کمال میل و مفتخرانه می‌پذیرم اما بعد آنها را به خود شما برمی‌گردانم؛ یعنی دلم می‌خواهد که شماها این نمادها را در خانه‌های خودتان، در محل کارتان -وقتی که محل کار داشته باشید- نگه دارید و حفظ کنید. به هر حال این یک مسئله است که مسئله علم را جدی بگیرید.

یک مسئله مهم دیگری... این است که آن چیزی که این کشور را به سامان خواهد رساند، بلکه این سامان سرریز خواهد شد به منطقه و دنیای اسلام و احیاناً به همه‌ی جهان، عبارت است از تعهد دینی و انقلابی؛ اگر چنانچه این تعهد دینی و انقلابی نباشد، پیشرفت علمی [به‌تنهایی] یک کشور را، یک ملت را، یک مجموعه‌ی انسانی را خوشبخت نمی‌کند. اگر چنانچه این حرف را مثلاً فرض کنید کسی هفتاد سال پیش، هشتاد سال پیش می‌گفت، خیلی‌ها باور نمی‌کردند؛ [چون] آن روز هنوز شکافها و ترک‌هایی که در بدنه و سازه‌ی تمدن غربی و کشورهای غربی به وجود آمده، وجود نداشت.

امروز این شکافها، این کمبودها، این سستی‌های بنیان در تمدن غربی -در زندگی جوانها، در زندگی خانواده‌ها، در کنش‌ها شدن به سمت انحرافهای گوناگون فکری و عملی و اخلاقی- آشکار شده، نمایان شده. این چیزی که عرض می‌کنم، یک ادعای

خصمانه از سوی این حقیر نسبت به سردمداران تمدن غربی نیست - که البته بنده خصم آنها هستم؛ یعنی دشمنم با آنها، اما این حرف ناشی از آن نیست- [بلکه] ناشی از حرفهای خود آنها است. امروز وضع خشونت، وضع فساد اخلاقی، وضع تلاشی خانواده و بیچاره شدن فرزندان و نسل آینده در آمریکا - من آمریکا را می‌گویم؛ جاهای دیگر، نسبت‌هایش متفاوت است- به جایی رسیده که متفکرین و دلسوزانی در آمریکا پیدا شده‌اند که اصرار دارند بر اینکه بیایند وضع فیلم و تبلیغات و سینما و هالیوود و مانند اینها را برگردانند از این رفتاری که در طول این مثلاً صد سال یا هفتاد هشتاد سال اخیر داشته، به سمت یک جنبه‌های اخلاقی‌تر و ملایم‌تر؛ این در مقالات اینها است؛ این اطلاعاتی است که بنده دارم -اطلاع است- یعنی خود آنها را نگران کرده.

فرض کنید همین که در طرف مدّت کوتاهی -چند روز پیش خواندم- مثلاً فرض کنید که صد نفر در آمریکا به دست همدیگر کشته می‌شوند بدون جرم، بدون دلیل -نه به دست پلیس که مسئله جنایات پلیس در آمریکا یک مقوله‌ی دیگری است؛ نه، خود افراد همدیگر را [می‌کشند]؛ فرضاً در طرف مثلاً یک هفته، صد نفر یا چند صد نفر؛ آمار دقیقش بود، من حالا یادم نیست- خب خیلی گرفتاری است برای یک کشور. اینکه رواج اسلحه و رواج آدم‌کشی، مشکلات درست کرده برای یک کشوری مثل آمریکا و همه هم همین را تصدیق می‌کنند و همه هم از آن می‌ترسند و همه هم ناراحتند اما علاج واضح و مداوای واضح آن را کسی جرئت نمی‌کند انجام بدهد، مداوایش چیست؟ مداوایش این است که سلاح، غیرقانونی بشود. سردمداران آمریکا جرئت نمی‌کنند این کار را انجام بدهند؛ یعنی کمپانی‌های اسلحه‌سازی به قدری مسلطند که سناتور و نماینده مجلس نمایندگان آمریکا جرات نمی‌کند چنین چیزی را تصویب کند و رئیس‌جمهور آمریکا جرات نمی‌کند این را به‌عنوان یک شعار بگوید و پایش بایستد.

بینید فساد یعنی اینها؛ یعنی تسلط یک گروه مافیایی قدرت طلب پول‌طلب، آن‌چنان که دستگاه قدرت سیاسی و نظامی عظیمی مثل آمریکا جرئت نمی‌کند یک کاری را که خوب بودنش واضح است -یعنی جلوی [فروش] اسلحه را گرفتن- انجام بدهد؛ اینها فساد است. اینها ناشی از نداشتن همین آرمان معنوی است که جوامع غربی به اینجا می‌رسند. حالا افسردگی جوانها، خودکشی‌ها، فرزندکشی‌ها، جنایتهای گوناگون اخلاقی، جنسی و مانند اینها دیگر به جای خود هرکدام یک مقوله‌ی جداگانه‌ای است و بحث دارد. اگر بخواهیم کشور، ملت، جامعه‌ی بشری به سعادت برسد، راهش این است که آرمانهای دینی و آرمانهای الهی را برتر از همه‌ی آرمانها قرار بدهیم؛ این در اقتصاد ما باید اثر بگذارد، در کار علمی ما باید اثر بگذارد، در اداره‌ی کشور ما باید اثر بگذارد، در گزینش مدیران کشوری باید اثر بگذارد، در حرکت فکری خود ما [هم باید] اثر بگذارد.

خب، خوشبختانه امروز مجموعه بزرگی از جوان‌های کشور -بسیج، بسیج دانشجویی، کسانی که به‌عنوان فکر اسلامی و فکر انقلابی امروز دارند در کشور حرکت می‌کنند که تعدادشان هم بسیار زیاد است- دارند این فکر را دنبال می‌کنند؛ این فکر را نگه دارید.

بدانید که حوادث گوناگون، انسان را دچار تغییرات فکری می‌کند؛ گاهی انحرافها و زاویه‌ها خیلی ریز شروع می‌شود، لکن وقتی ادامه پیدا می‌کند، این فاصله از خط مستقیم و اصلی مدام زیاد می‌شود. به این توجه داشته باشید. آن کسانی که توانستند کارهای بزرگ را در این مملکت انجام بدهند که یکی از آنها مسئله انقلاب است، یکی مسئله دفاع مقدّس و مانند اینها است -که من توصیه میکنم خاطرات دفاع مقدّس را شما جوانها بخوانید، اینها خیلی باارزش است؛ بنده که جای پدر بزرگ شماها هستم و خودم هم در جنگ بوده‌ام و دیده‌ام، وقتی می‌خوانم، برای من جدید است، برای من مهم است، برای من بدیع و تازه و تأثیرگذار است- این موقّعیتهایی که ما در دفاع هشت‌ساله پیدا کردیم، یا در خود انقلاب پیدا کردیم، یا در برخوردها و تعارضات شدیدی که در طول این قریب چهل سال با انقلاب بوده پیدا کردیم، ناشی از ایستادگی و ثبات بوده. آنهایی که یک روز این جور می‌اند، یک روز آن جور می‌اند، تلو تلو می‌خورند، به تعبیر امیرالمؤمنین «إِنَّكَ لَلْقَلْبُ الْوَصِينُ تُرْسِلُ فِی غَیْرِ سَدَدٍ» (۱) [هستند]؛ یعنی کسی که حضرت آن شخص را تشبیه کرده‌اند به یک شتری که بارش را روی پشتش سست بسته‌اند و همین‌طور که راه می‌رود این بار از این طرف می‌افتد یا از آن طرف می‌افتد؛ طبعاً نمی‌تواند مستقیم راه برود؛ از این باید ترسید، از این باید پرهیز کرد.

در دعا می‌خوانیم: «أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَى دِينِكَ» (۲) ثبات و ایستادگی در دین و در راه انقلاب یک چیز بسیار مهمّی است، به این بایستی توجه کرد. پس درس خواندن، تمسک انقلابی، و حضور دائمی در همه‌ی صحنه‌هایی که برای آینده‌ی کشور تأثیرگذار است.

اشاره کردند به نهضت دانشجویی، جنبش دانشجویی؛ این جنبش دانشجویی را دو جور می‌شود معنا کرد: یک جور به معنای این است که انسان علیه همه‌ی آرمانها حرف بزند و شعار بدهد و مشت گره کند؛ یکی اینکه در خدمت آرمانها حرکت بکند؛ حرکت جوانانه و جهادانه. در علم هم باید جهادی عمل کرد، در تحصیل علم هم باید جهادی عمل کرد؛ در فعالیت سیاسی میدانی هم باید جهادی عمل کرد. جهاد همه‌اش به معنای شمشیر کشیدن و چپ و راست به این و آن زدن نیست؛ جهاد یعنی خسته نشدن، یعنی با فکر درست و منطق درست راهی را انتخاب کردن و ایمان به آن راه پیدا کردن و آن را با همه‌ی سختی‌هایش، با همه‌ی موانعش دنبال کردن و پیش رفتن. این معنای جهادی عمل کردن است.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند شماها را موقّع بدارد....

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۸۶

برجسب ها: رهبر انقلاب [1]

